



قیمت اشتراک سالیانه در ایران  
یک تومان  
در سایر ممالک  
پنج فرانک

# کافه

۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار  
نشر میشود  
عنوان مراسلات  
Redaktion Kaveh:  
Berlin-Charlottenburg,  
Leibnizstr. 64

\* \* \* Jahrg. 1 • Nr. 17 • 1. Januar 1917 \* \* \* ربيع الاول ۱۳۳۵ هجری = یزدگردی ۱۲۸۶ مرداد ماه ۲۲ جمعه \* \* \*

## اولین قدم بطرف صلح

روز ۱۴ صفر امسال در تاریخ این جنگ جهانگیر صفحه بسیار شایان دقتی را مینمایند. در این روز دولت آلمان و متحدین او که هنوز مشغول جشن فتح بخارست بودند رسماً بدشمنان خود پیشنهاد صلح نمودند و به‌المیان آشکار داشتند که غرور ظفر وجدان آنانرا از درک حسیات عالیة انسانیت مانع نیامده و با وجود آنکه فتوحات اخیر در رومانی از حیث نظام و اقتصاد درهای امیدواری فردار را بروی آنها گشوده است باز محض خاتمه دادن باین خونریزیها و آدم کشیها حاضرند که از روی بزرگواری چشم از تعقیب نتایج مهم این فتح پوشیده و دست آشتی بسوی دشمنان خود دراز نمایند.

در این روز از چهار پایتخت برلن، وینه، اسلامبول و صوفیه متفقاً آواز صلح خواهی بلند شده در اقطار عالم منعکس گردید. صدر اعظم دولت امپراطوری بتمن هلوگ با نمایندگان دول بیطرف و با وزرای ایالات

متحده آلمان مجلس نموده و در خصوص حاضر بودن دول اتحاد برای دخول در مذاکرات صلح با ایشان صحبت داشته و در این خصوص متحد المالی بتوسط نمایندگان اسپانی و ایالات متحده امریکا و سویس که حامی منافع تبعه آلمان در ممالک دشمن هستند بمتفقین فرستاد. ساعت دو بعد از ظهر در «رایشخ» نطق غرائی نمود که خلاصه آن از قرار ذیل است:

ابتدا از جدّ و جهد بیهوده دشمنان در شکافتن صفوف آلمان و متحدین و از فتح سریع متحدین در رومانی سخن رانده از جمله گفت: «ضرب شمیر ما دائره اقتصاد را نیز برای ما وسعت داد چه مبالغی هنگفت جووبات و نفت و آذوقهای دیگر در رومانی بدست ما افتاد و اکنون در کار حمل و نقل آنها میباشیم و از این قرار عفریت قحط و غلائی که از جانب دشمنان وسیله تهدید ما بود بجان خود آنها افتاده است و نقشه جنی و شجاعت بی‌مانند سربازان ما موقعی برای ما تدارک نموده که استحکام فولاد دارد.....»

پس صدر اعظم بخدمت مدنی اجباری که بتازگی در آلمان بیان آمده و موافق آن هر آلمانی تندرستی از هفده ساله تا شصت ساله مجبور بقبول

تفوق داشتند فهمانیدند و صغوف با بر جای آنها در مقابل حملات بی در پی دشمنان در همه جا مردانه مقاومت مینمایند. از حمله ناگهانی اخیری هم که در بالکان بر ضد ما پیش آمد با شتاب و فتح کامل جلوگیری کردیم و واقعات اخیر آشکار داشت که طول مدت جنگ قوه مقاومت ما را نمیتواند در هم شکنند بلکه رویهمرفته اوضاع کنونی بنا حق میدهد که امیدوار بکامیابیهای دیگر هم باشیم.

دول متحده چهارگانه برای دفاع حیات و آزادی ترقی و تکامل ملی خود مجبور بحمل سلاح گردیدند و شاهکارهای قشون آنها تقییری در آن حاصل ننموده و دقیقه در خاطر آنها خطور ننموده که رعایت حقوق ملل دیگر با حقوق و منافع حقه آنها منافی است. آنها اصلاً در صدد فنا و اضحلال دشمنان خود نیستند. دول متحده چهارگانه با وجود آنکه بقدرت نظامی و اقتصادی خود مطمئنند و در صورت لزوم حاضر هستند که جنگی را که بر آنها تحمیل شده تا آخرین دم استمرار دهند با اینهمه چون میخواهند که جلوی سیل خون را گرفته و پایانی باین جنگ هولناک بدهند متفقاً پیشنهاد مینمایند که از همین حالا داخل در مذاکرات صلح بشوند و یقین دارند که پیشنهادهایی که در صورت صلح اظهار خواهند داشت و راجع خواهد بود تأمین حیات و شرف و ترقی آزاد ملل خود، مبنی بر اساس استقرار یک صلح ممتدی خواهد بود. چنانچه این پیشنهاد صلح بجائی نرسد و جنگ دوام پیدا نماید دول متحده چهارگانه بر سر آنند که تا یک پایان مظفری نرسند دست از جنگ برندارند و در مقابل عالم انسانیت و تاریخ بار ضمانت آرا آشکارا از دوش خود برمیدارند.

«دولت امپراطوری مقتضاً بتوسط حضرتعالی از دولت ... خواهشمند است که مرخص فرموده اظهارات فوق را بدولت ... مخبره نمایند.»

خواه مسئله صلح بجائی برسد یا نه این حرکت آلمان و متحدین او در حقیقت یک نصرت معنوی است که در تاریخ اهمیت آن بیشتر از فتوحات دیگر خواهد بود. دول اتفاق از اول جنگ در مقابل قدرت آلمان و متحدین که هر روز بر طومار فتوحات خود فتح تازه میافزودند متوسل بهتان و افترا که حربیه ضعیفان است گشته و باران دروغ را بعالم فروریختند و آلمان را در وسط اروپا مانند گرگ گرسنه قلم دادند که در میان گله گوسفندی افتاده و در کار دریدن آنها باشد و خود را شبان دلسوزیه این گله بیصاحب خواندند و چنان وانمود کردند که ملت آلمان فقط در هوای مشوب با دود باروت و بوی خون میتواند تنفس کند و از صلح و صفا بیزار و متنفر است و ملل دور دست هم که راه رسیدن اخبار از آلمان با آنها مسدود بود ممکن بود کم کم بالطبع فریفته بهتانههای انگلیس و متفقین بشوند ولی این پیشنهاد صلح آنچه را که دشمنان در مدت دو سال و نیم رشته بودند بینه کرد و عالمیان را بحقیقت امر که علوهت و صفای نیت متحدین و خدعه و نفاق دسته دیگر متخاصمین است مطلع داشت.

حالا هم البته جراید لندن و پاریس و پترسبورگ مسلک خود را فراموش ننموده و پیشنهاد صلح دول اتحاد را دلیل ضعف آنها قلم خواهند داد ولی جواب آنها خوب است از جانب روزنامههای ممالک بیطرف داد. روزنامه سوئدی «استخلس داگلا» میگوید: مطبوعات متفقین حتماً سعی خواهد نمود که پیشنهاد صلح دول مرکزی را علامت ضعف آنان جلوه دهد ولی دول مرکزی در جواب آنها فقط بیک گله میتوانند اکتفا نمایند و آن گاه «بخارست» است!

شاهرخ

خدمتی است اشاره نموده گفت: وقتی که جنگ با شدت تمام در کار است «رایشناخ» با اسم خدمت امدادی بوطن یک ترتیب تازه برای دفاع و حمله ایجاد نموده و امروز در پشت قشون جنگجو ملت کارکن اینستاده و قوت و قدرت مدعش ملت تماماً بطرف مقصدی یگانه و مشترک منعطف است ... بدون آنکه خاطر خود را مشغول یاوه سرانیهای دشمن که گاهی ما را خونخوار و دارای مقاصد جهانگیری و گاهی مضطر و نا امید و گدای صلح بقلم میدهد بنمائیم با یک قدم استوار مدام در پی مقصد خود میرویم و دائم باعزم راسخ مهبای دفاع و مبارزت در راه حیات ملت خود و آینده آزاد و مطمئن او میباشیم. در صورتیکه هم در این حال حاضریم که هر دقیقه دست بسوی یک صلحی که با مقاصد فوق موافقت نماید دراز نمائیم. چه قدرت ما مارا در محضر خدا و ملت و انسانیت کور نموده است!

در اینجا صدر اعظم صورت متحد المالی را که متحدین بدول بیطرف فرستاده اند و قبلاً بدان اشاره شد قرائت نموده و میگوید: «امروز ما مسئله صلح را در میان آوردیم و حواب آرا از طرف دشمنان خود با وقر و سکونی که ناشی از قوت ما در داخل و خارج و از وجدان آرام ماست منتظر خواهیم شد و اگر آنها از قبول صلح امتناع ورزیده بار ضمانت نتایج وخیمه آرا که بسنگینی یک دنیاست بدوش خود بکشند و محض پیروی مقاصد جهانگیری و حرص و طمع از جلوگیری این قتل عام رخ بنابند شعله غضب در دل هر آلمانی شراره خواهد زد و لو آنکه آن آلمانی در محقرترین کلبه ها سکنی داشته باشد. در این ساعت که در سر نوشت ما ساعتی است بس تاریخی تصمیمی که ما کرده ایم بزرگ است و در خون صد هزارها فرزندان و برادران ما که جان خود را فدای امنیت وطن نموده اند آغشته شده است. در این جنگ عمومی مال که مدعش ترین مصایب زمین از طرفی و بزرگترین آثار شجاعت و عزم انسانی از طرف دیگر مشهود گردیده بطوی که تا بحال چشم و گوش انسانی نشنیده و ندیده است فراست آدمی از کشف حقایق امور عاجز است ولی خداوند داناست و حکم خواهد نمود!»

و بالأخره صدر اعظم در پایان نطق خود گفت: «ما میخواهیم با سر فرازی و بیباکی راه خود را تعقیب نمائیم در حالیکه هم مصمم ب مداومت جنگ هستیم و هم حاضر برای صلح!»

صورت متحد المالی که دولت آلمان و متحدین او عثمانی و اتریش و بلغار بدولی که با آنها در جنگند فرستاده اند از این قرار است:

«دو سال و نیم است که جنگی چنان مهیب که مانند آرا تاریخ یاد ندارد در کار ویران نمودن یک قسمت بزرگ دنیا است. این بلای عظیم که روابط یک دوره تمدن مشترک هزار ساله توانست از آن جلوگیری نماید در کار مضحک نمودن گرانبازترین تریکه عالم انسانیت میباشد و نزدیک است که ترقیات اخلاقی و مادی را که در آغاز قرن بیستم مسیحی اسباب سر بلندی اروپا بود در زیر خاکستر خود مدفون نماید.

در این میدان مبارزت آلمان و متحدین او اتریش و بلغار و عثمانی با فتوحات نمایانی که نمودند قوه شکست ناپذیر خود را بدشمنان که از حیث عند و مهمات

## نظری بتاریخ و درس عبرت

فتح قفقاز یا کلید تسخیر ایران دهند

### قسمت سوم

بعد از واقعه قلعه آخولقه شامل مقرّ خود را در دارقو در ولایت چچنها قرار داد و سالهای دراز پیشرفت با او بود.

شامل که در حقیقت از زمان حیات قاضی ملا روح شورش ملی چچنها و آوارها بود و بعد از گهاری از بیحرکتی بیرون آورده بود در ۱۲۶۲ خواست میدان کار را وسعت داده و طوایف دیگر را نیز در جرگه مجاهدین درآورد و مخصوصاً اهالی قارطای را که طایفه از چرکس میباشند و چند سال قبل با روسها در زد و خورد بودند میخواست با خود همدمت کند. بدبختانه اینها از نیم قرن باینطرف سر اطاعت بروس فرود آورده بودند. این بود که از خوف روس مواعظ مهتج او بروح بیحسّ جان آنها اثری نبخشید. بر خلاف بعضی طوایف دیگر چرکس مثل اچازها، وادیکسها که باشیخ شامل همراهی کرده و بر خلاف انتظار روسها که آنها را بکلی مطیع و منقاد می پنداشتند بحملات روسها مقاومت جسورانه کردند.

بزرگترین فتوحات کوهستانیها که آتش قلب قیصر نیکولای اول زد قضیه دارقو بود. دارقو روی یک صخره واقع شده بود که مدافعه آن خیلی دشوار و سنگر بندی بسهولت ممکن نبود. شامل عمداً آنجا را تخلیه کرده بروسها وا گذاشت ولی از طرفی در پشت قشون روس عده معنی بهی از مردان خود تهیه کرده و در کین گذاشت. وقتی که روسها برگشتند اینها در نزدیک جنگل ایچکری غفله بروسها حمله کردند و روزگار آنها را تیره و تار ساختند. چهار هزار نفر از ایشان بقتل رسانیدند از جبهه چهار سرتیب روسی بدم رفتند. تمام توپخانه و اسلحه و ذخیره جنگی روسها بدست ملتون قفقاز افتاد. خبر این حادثه مورث اهانت بزرگی برای قشون روس گردید. با وجود این بعضی از صاحب منصبان عالی روس خبر این جنگ را بامپراطور مثل یک اقدام جسورانه از طرف قشون روس وانمود کردند. اما بعضی از درباریان پترسبورگ صورت واقعه را کما هی بامپراطور فهمانیدند و کینه او را بر ضد قفقازها برافروخته او را بانقمام جدی واداشتند.

### تغییر نقشه فتح قفقاز

در پترسبورگ بعد از این واقعه نقشه فتح قفقاز را تغییر دادند. اولاً فرمانفرمای کل قفقاز و سپه دار قشون را یکنفر معین کردند (۱۲۶۰). و برای همچو مقی شاهزاده میخائیل ووروتزوف را انتخاب کردند. این مرد سخت ترین و بی باک ترین دشمنان شامل گردید.

تمام سرتیپهای روسی که سردار کل یا فرمانده جزء در قشون قفقاز شده بودند هر یک بنوبه خود امیدوار بود که شرافت انجام کار را او خواهد برد. ووروتزوف (۱) هم همین هوس را بخت ولی شانزده سال دیگر با انواع وسائل با شیخ شامل جنگید. عده قشون روسی را بخواش او صد و پنجاه هزار نفر نمودند. و هر قدر جای آنها در جنگ خالی میشد فوراً عده تازه بجای آن میفرستادند. دوری قشون از مرکز و اطاعت مستقیم سردارها بوزارت جنگ در پترسبورگ سبب تأخیر کار و زحمت در سرعت اقدامات جنگی بود. ووروتزوف از امپراطور اختیارات تامه و قدرت کامله گرفت. امپراطور اختیار مرگ و حیات هر کس را بدون استتار باو داد. پادشاه و جزا و عزل و نصب مأمورین و افراد قشون را هم باو محول کرد. شاهزاده مزبور مقرّ خود را در قفلیس قرار داد و آنجا مثل یک سلطان سلطنت میکرد و جویهای دار برای مکافات وطن پرستان آماده بود.

تفوق عددی و برتری نظامی روسها بفقازها واضح بود. کوهستانیها عمداً کم بودند ولی برای استقلال وطن و حفظ ایمان اجداد و نیاکان خود میجنگیدند. باینجهت نزد آنها حسّ جدال حکم یک قوه خارق العاده و یک حیات ثانوی داشت. کمکی خارجی و تکیه گاهی برای مقاومت با قشون پی در پی امپراطور کل روسیه بجز صخره ها و قلعه کوهها و عمق دره ها و پرتگاهها و انبوهی و تاریکی جنگلها نداشتند و از استعمال آنها بعم مخصوصی فائده و نتیجه میبردند. اغلب روسها بعد از یک حمله که خوب پیشرفت میکرد در موقع عقب نشینی تمام ثمره زحمات خود را بباد میدادند. داغستانیها عقب آنها در تنگه میان دو کوه راه فرار را با آنها میبستند آنوقت وای بر حال آنها. اغلب اوقات بجز معدودی از دست این جنگجویان بیباک نمیروستند. کوهستانیها قدرت تحمل مشقتها زیاد داشتند و چون تمام گذرگاههای کوهها و معا بر را میشناختند همینکه مسبوق از عبور روسها میشدند چند روز در پشت سنگی یا غاری یا در میان بوته ها و پشت درختان منزوی شده و منتظر رجعت دشمن میگشتند و بمختصر آرد خمیر شده میساختند تا وقت ساختن کار دشمن برسد. شجاعت و تهور آنها حیرت انگیز است. مثلاً وقتی که یکی از آنها عده قزاق تعاقب میکرد فوراً بالا پوش نمدی خود را بسر اسب خود انداخته و بدون تأمل از روی سیلابی یا رودی یا پرتگاهی خود را پرت میکردند و همیشه موفق بنجات میگشتند. اغلب در هنگام هجوم لباسشان منحصر بیک پیراهن بود. خنجر خود را بدنشان گرفته در دستی ششکه و در دست دیگر تپانچه موافق احتیاج وقت هر سه اسلحه را استعمال میکردند بطوری که سرباز روسی معطل مانده بزودی از پا در میآید.

چون عده قشون شیخ شامل منحصر بهمان قفقازها بود بالطبع بطول زمان روز بروز کمتر میشد. برعکس قشون روس که لاینقطع از صحراهای بی پایان روسیه جمع شده روز بروز در تراید بود. طرز جنگ قفقازها این بود که ناگهانی بسر دشمن افتاده و اجتماعات آنها را پراکنده میکردند.

Mikhail Worontzoff (۱)

و توپ و نقل آذوقه راهها ساخته و روی رودخانهها و پرتگاهها پل می‌انداختند. هر جا را که تحت تمکین در می‌آوردند مقدار زیادی قزاق و ژاندارم و پولیس نظامی در آنجا میگماشتند که اگر کسی از اطاعت سر پیچی کند مثل اجل معلق بالای سر آنها حاضر باشند.

وسيله آخری که اتخاذ نمودند این بود که روسها ملاحظه کردند که حمله از یک طرف داغستان کار آنها را هیچوقت بانجام نخواهد رسانید و لابد کوهستانها آذوقه و ذخیره از آن طرف دیگر میتوانند فراهم بیاورند. این شد که مجمع صاحب منصبان در محضر ووروتزوف رأی داد که قشون بهمین اصول از تمام اطراف و جوانب داغستان دفعه پیش بروند و از هر سمت متفقاً حمله کنند و راه ورود آذوقه و لوازم حرب را از هر طرف بپندند. و این آخرین و خطرناکترین وسیله برضد قفقازها گردید. بدینگونه بعد از هفتاد سال زد و خورد کار داغستان در شرف خاتمه بود و بتدریج بانجام خود نزدیک میشد.

وقتی که جنگ قرم شروع شد (۱۳۷۱) دولت انگلیس ناپلیون سوم امپراطور فرانسه را بکمک عثمانی وا داشت و شاهزاده پیمونت (۱) که چند سال بعد پادشاه ایتالیا شد نیز بیست هزار نفر سرباز فرستاد و قشون متفقین در شبه جزیره قرم لطمه بزرگی بروس زده شکست فاحشی باو دادند (۱۳۷۲) و روس راه داردانل را بخود بسته دید.

در این جنگ انگلیسها با چرکسها ساخته و دولت عثمانی بشیخ شامل پیشنهاد کمک میکرد. چون هرگز بدسایس انگلیس مطمئن نمیتوان شد و رفتار مخالف نذیر پاشای عثمانی با نماینده شامل نتیجه خوبی نداد باین سبب شیخ شامل نخواست با آنها همعهد شود ولی زمان جنگ فرجه برای او شد. دولت روس همیشه شکست فاحش از عثمانیها و فرنگیان خورد بقیه قشون از با در رفته خود را بطرف قفقاز گسیل داشت و از کشتار متنی از جان گذشتگان شکست خود را میخواست تسلی بدهد.

اگر کسی نظری بنقشه روسیه بیندازد و در آن نظر بقطعه قفقاز و در قفقاز داغستان توجهی کند خواهد دید که چه قدرتی با چه قوه در ستیزه بود. عنصر جوان قفقاز در هفتاد سال مقاومت و مخصوصاً در ۲۵ سال اخیر دوره شیخ شامل دیگر تمام شده بود. بواسطه طول مدت جنگ قشون پنجاه هزار نفری شیخ شامل رفته رفته کم شده بود. نوجوانان در میدان قتال شربت شهادت نوشیده بودند. از طرفی قحطی و بی آذوقگی دشمنی عظیمتر از هیکل مهیب روس در برابر اهالی فلک زده قفقاز صورت ناهنجار خود را می نمود و کم آذوقه آنها منحصر شد بمختصر محصولات کوهها. ولایت داغستان از چهار جهت احاطه گردید و روز بروز حلقه آهنین روس تنگتر میشد.

در غرب قفقاز در طرف دریای سیاه مدتی بود که قبایل سابق الذکر چرکس مقاومت را تمتع دیده تن بقضا داده و از نومییدی با وجود مواعید انگلیسها تسلیم روس شده بودند. در عوض این دولت روس در حق آنها

روسها برعکس میخواستند که با ایشان مقابله نموده بجنگند و این لابد برای قفقازها خارج از شرایط عقل بود.

دولت مسکوی متصل مثل سیلاب قشون میآورد ولی غیرت و جوانمردی داغستانها آنها را در اندک مدتی محو و نابود میساخت. و هر سال در قصر پرتگاهها و قلل جبال قفقاز هزاران هزارها جوان روسی طعمه وحوش و طیور میشدند.

مقارن همان اوقات از ۱۲۴۹ الی ۱۲۵۹ جنایت تاریخی روس در حق لهستانها وقوع یافته بود. امپراتور روس که از لهستانها دل خوشی نداشت برای تقلیل قوه جوان و جنگی آنها جوانهای ایشانرا جبراً بقفقاز در مقابل گلوله چچنها میفرستاد. آنهایکه موفق بفرار میشدند ملحق بدلاوران شیخ شامل شده و با دشمن مشترک خود میجنگیدند.

طرز جنگجوئی شامل نظامیان و علمای حرب روسیه را خشمگین و بیتاب میساخت. ولی بطول مدت سرکردهای روسی رویت مخصوص قفقازها را در جنگ بدست آوردند. از طرفی هم یک مسئله سیاسی در میان بود و آن این بود که نیکولای اول بعد از برادرش الکساندر اول میخواست قدرت نما و بزرگترین پادشاهان اروپا بقلم رود و بگفته تولستوی باین مایخولیا گرفتار بود و همیشه با خود میگفت «اگر من نباشم اروپا چه میشود». اگر روسها فتح قفقاز را خوب تعاقب نمیکردند امپراتور مقتضیح شده و از اهمیت ساسی او میکاست. این شد که وورونتروف نقشه جدیدی که مجمع صاحب منصبان پیشنهاد نموده بود اتخاذ کرد. قسمتی از آن نقشه را از ابتدا شروع کرده بودند و آن عبارت از این بود که هر ده و قصه را که میگرفتند چند خانوار از مهاجرین نظامی از قزاقهای صحاری لمزرعه روسیه جبراً کوچانیده و در آنجا سکنی میدادند و اراضی و حیوانات ضبط شده قفقازها را بآنها داده بزراعت و کشت زمین و ادارشان می نمودند. و چون صورت نظامی آنها باقی بود آنها را مجبور باستحکام و سنگربندی اطراف ده یا قصبه کرده آماده مقاومت ساخت و تاز قفقازها می ساختند. و چون سربازهای روس از این جنگ بی پایان خسته شده بودند اغلب یا فرار میکردند یا بدشمن تسلیم میشدند و اگر بهیچیک نائل نمیشدند خود کشتی را ترجیح میدادند. ولی چون قزاق دل بستگی بیال خود داشت و زحمت کشت و زرع بخود داده بود لابد مجبور بود که نه فرار کند و نه بدشمن تسلیم شود و تنها چاره کشتن یا کشته شدن بود. از اینقرار رفته رفته قزاق رسوم مملکت و حیل و اطوار کوهستانی را آموخت و در حالیکه برای حیات خود میجنگید بموقیت نیت دولت روس جان میساخت.

وسيله دیگر این بود که بهر اندازه که جلو میرفتند باسلوبی که سابق دو سردار معروف یرمولوف و ویلیامینوف پیشنهاد کرده بودند جنگلها را که پیوسته ملجأ و مأوی مجاهدین بود تماماً سوزانیده خاکستر میکردند و تمام کشت و زرع و آذوقه را آتش زده و آبادیها را با خاک یکسان می نمودند. بعد از آن در اغلب جاها در عرض چند فرسخ در جنگلها درختها را بریده و جادههای وسیع میساختند. در شعب کوهها برای حرکت قورخانه

## خاتمه کار قفقاز

بدینگونه مقاومت و ایستادگی شیخ شامل تا آندقیقه که دیگر بعد از آن تمتع بود بعد از ۲۵ سال بانجام رسید. حشمت و شکوه ناموری و شجاعت و مجاهدت دینی او هیچ آبی مثل موقع آخری ندرخشیده بود و موهبت بزرگی و بهادری و بزرگواری را بهای گران خریدم بود. در مقابل سطوت و مهابت او در طول مسافتی که نزد امپراطورش میبردند روسها سر تعظیم فرود آوردند. امپراطور او را بدون سلب اسلحه پذیرفت و بعد او را با پسرها و عیالش در کالوقا<sup>(۱)</sup> شهری از شهرهای وسط روسیه محبوس محترم نمودند.

اگر از عظمت او ملاحظه کرده بواسطه احترام او او را در گوشه محبس تاریکی نینداختند بر عکس در حق دلاوران و همراهان و بقیه عناصر مجاهدین در داغستان رفتار دیگر کردند. پهلوانان لژگی و چچن و آنانی را که در ردیف مجاهدین قفقاز برای حفظ دین و سرزمین جانبازی کرده بودند بترک وطن و اشغال شاقه محکوم و بمهاجرت و تبعید مجبور و اوامر امپراطوری را بسرعت در حق ایشان بموقع اجرا گذاردند. آخرین قوه که در مقابل تجاوز روس در قفقاز بود اگرچه برطرف شد ولی نام خود را بنامداری و غیرت در دفتر عالم ثبت نمود و شهادت با شهامت را بهتر از مرگ با حقارت و فروتنی شمرد!

بعد از این فاجعه عظمی یعنی استیصال شیخ شامل در ۱۲۷۶ روسها دیگر مقاومتی در جلو خود نیافتند و قفقاز بالکلیه در تصرف آنها در آمد و تا ۱۲۹۲ بتدریج تمام طوائف در تمام ولایات قفقاز سر تمکین فرود آوردند.

در قفقاز مادامی که عناصر غیرت و استقامت پایدار بود روسها با احتیاط و حرمت رفتار می نمودند ولی همینکه نظم و نظامیان روس در هر گوشه و کناری برقرار شدند و اماکنی را که ممکن بود سرپیچی و تمرد کنند با قشون ساخلو و تهدید دهنه توپ در خوف نشانند شیوه رفتارشان تغییر کرد. آنوقت حکومت نظامی در هر گوشه مملکت برقرار شد. با بومیان مثل وحوش رفتار نمودند و آنها را پست و خوار شمردند. مغلوبین ذلیل و رفته رفته عادت باین حال نموده از حیث اخلاق نیز عقب رفتند و این معامله تا امروز رواج دارد. بعوض اینکه روسها جهد کنند که تلخی ناانصافیها و جنایت سیاسی خود را ملایمت کرده و احساسات قلب پر زخم مغلوبین را حرمت بدازند برعکس خطها و خشوتهای زیاد نمودند. قفقاز مدتی محل تبعید صاحب منصبان مجرم بود. برای تنبیه مستخدمین دولتی که در خدمت کوتاهی کرده و یا زدیهای فاحش نموده بودند آنها را بعنوان مأموریت بجان قفقازیه می فرستادند. در عوض تسلیت و تسکین این جانوران «چینونیک»<sup>(۲)</sup> بلای جان و راحتی اهالی قفقاز فلک زده گردیدند.

رفتاری که صرف خارج از انسانیت است مجری داشت. سصد هزار نفر عناصر قوی و جوان چرکس را از خانه ولایه خود کنده اسیر و بر نقاط دور دست روسیه و اقصای سیری کوچانیدند<sup>(۱)</sup>.

در جهت داغستان نیز در میان این بلای عظیم اوضاع پریشانی هویدا گردید. دانیال بک والی الیسوری<sup>(۲)</sup> که متفق عمده و از نایبهای طبقه اول شیخ شامل بود همینکه عاقبت و خیم محاصره را دید خود را کناره کشید و شامل را بحال خود گذاشت.

## اسیر شدن شیخ شامل

بیوفائی ظالم در آخر، بی کمکی، بی آذوقگی و غیر ذلک شیخ شامل را مایوس نساخت و عدّه از همراهان قدیمی و با وفا او را رها نکردند. شیخ شامل که مقصد شاهکارانه او فداکاری خود در راه آزادی قفقاز و پاک نمودن خاک آن از لوث وجود اجنبی و حفظ آئین اسلام بود تا آخرین وهله توانائی خود با برجا ایستاد و جنگید و در ماه صفر ۱۲۷۶ از همراهان با وفای شیخ شامل فقط چهار صد نفر باقی مانده بود در مقابل صد و پنجاه هزار نفر روس! شیخ شامل این یک مشت اتباع خود را با عیال و اولاد با آخرین ملجأ خود در ده گونیب<sup>(۳)</sup> که در وسط داغستان بالای یک بلندی واقع بود برده و آنجا تحصن جست و اطراف آن موضع را استحکامات نموده منتظر دشمن گردید. روسها تمام لوازم جنگ را دور آن نقطه جمع کرده و محاصره را محکم نمودند. چهار صد نفر بقیه اصحاب شامل با روسها همواره در زد و خورد بوده داد مردانگی می دادند. بالأخره روسها یکشب غفله هجوم کردند و با توپ و هرچه ممکن بود پناهگاه آنها آتش افشانند. شیخ شامل و همراهانش در خانه که در صخره مثل غاری کنده شده بود سنگر بندی کرده و تا آخرین تیری که داشتند مدافعه کردند. وقتی شامل ملفت شد که از چهار صد نفر همراهان او فقط ۴۷ نفر دور او باقی است و در آنوقت امواج افواج روس بمسافت بیست قدمی آسکان رسیده بود. ژنرال پرنس باریاتینسکی<sup>(۴)</sup> که فرمانده کل قشون بود حکم داد که دیگر شلیک نکنند. آنوقت یک نمایش حزن انگیزی پدیدار شد: شیخ شامل با حال افسرده ولی پر از غیرت و حدت با صورتی با جبروت از پناهگاه خود موقرانه بیرون آمده و آهسته بطرف ژنرال مزبور رفت. ژنرال با کمال احترام از او پرسید: تو شامل هستی؟ شیخ شامل با کمال بی اعتنائی سری تکان داد. ژنرال حکم امپراطور الکساندر دوم را برای او خواند که اگر شامل زنده بدست آمد فوراً نزد او روانه دارند. بعد از اسارت چه اهمیتی داشت. نامدار پیر قفقاز با یک قوت قلبی مصیبت خود را قبول کرد.

(۱) تخمیناً پانصد هزار نفر دیگر هم خودشان برای فرار از تسلط روس بخاک عثمانی و ایران مهاجرت کردند. و امروز از این تراد پاک ظریف قوی بیش از پنجاه هزار نفر در مقام اصلی خودشان باقی نمانده است.  
(۲) Elisoria  
(۳) Gounib  
(۴) Bariatinski

(۱) Kalonga  
(۲) Tehinownik. روسی مستخدم و مأمور دولتی است

دادند و آنوقت جنگ داخلی مشتمل شد. مسلمان و مسیحی همدیگر را در مقابل چشم مأمورین حکومتی و نظامی دزنده وار دریدند و هزارها ایرانی بیجرم نیز در این معرکه تلف شد. این کشتار ۱۳۲۳ دور از خاطر ما نیست. تمام گناه خونریزی ناحق آن روزها بمهده حکومت جانی روس است. روس در این آب گل آلود صیدی که میخواست نمود. متعاقب این حوادث چندین هزار نفر از عناصر آزادی خواه و آنها که وسعت فکر و اطلاعاتشان در قفقاز سبب مخاطره بنظر روس میآمد خواه مسلمان خواه ارمنی باقصای سیری و بمجسهای تاریک روس رفتند.

در بلوای روسیه در همان سال ۱۳۲۳ در زمان جنگ روس و ژاپون دولت روس در ممالک مقهوره مثل لهستان و قفقاز و فنلاند و غیره ظلمهای فاحش و جنایات خونین مرتکب شد.

در قفقاز اکثر مردم از هر طایفه که باشند در کمال ذلت و فقر و در نهایت جهل و نادانی میباشند و در شرف انحلال و تلف هستند. و مخصوصاً دولت روس در روسی نمودن آنها جهد کامل میکند و بطوری در محو و نابودی آنها جدیت میکند که هیچ وجدان انسانی متحمل آن نمیتواند بشود. سالی هزارها مهاجر روس از اطراف و انحاء روسیه آورده در اماکن آنها جا میدهند و بومیها را از لانه و خانه خود میرانند.

### آرزوی اهالی قفقاز

بعضی از عناصر زیرک و تربیت شده قفقاز امیدوار بودند که در خاتمه این جنگ جهانگیر قفقاز سر برآورد و بکمک ایران و عثمانی دشمن مشترک را برانند و استقلال قفقاز را نیز برقرار کنند و یک دولتی مثل «کانتون» های متحده سویس ایجاد نموده که بحمايت دول بزرگ و بضمانت آنها حایلی میان ایران و عثمانی و روسیه بشود. چه نیت نیکی و چه آرزوی بزرگی! ولی کوی ایران با این دولت حالیه خود که پیرو همچو شاهکاری باشد. برای ملاحظه این نکته اگر کسی نظر بجرايد «عصر جدید» و «اطلاعات» بکند خواهد دید که ابلاغیه های پایتخت ایران از سفارت روس منتشر میشود!

در خاتمه بیش از این اصرار نکرده و دقت صاحب نظران را باصول پیشرفت اقدامات روس در ایران جلب نموده و شهادت تاریخ را دلیل مدعای خود میآوریم. نتایج سیاسی و نظامی فتح قفقاز را شاهدهی بجز اوضاع حاضره ایران و خونریزی که از خلیج فارس تا طربوزان و از آسیای صغیر تا خراسان است نداریم. مخصوصاً سیاست امروزه که در وطن ما حکمفرماست همان است که از دویت سال قبل یک امپراطور روسی کشیده و جانشینهای او و دولتی که بحجری وصیتنامه او بوده قدم بقدم و نکته بنکته در حق ما معمول و بحجری میدارند.

منوچهر فریاد

### طرز سیاست روس در قفقاز

روسها بجای تمدنی که بنام آن بفقاز میآمدند تمام آلات و عوامل فساد اخلاق را در تمام اماکن آن پایدار کردند (این شیوه را در تمام ممالک اسلامی از قبیل ترکستان و بخارا و غیره و در این اواخر در تبریز و رشت و توابع آن بحجری داشته اند). سیاست روس در اینگونه مقامها اینست که اول از جهل و بیعلمی اهالی بیچاره استفاده نموده در دل ایشان قدرت و جبروت و خوف و هراس تازیانه را جای داده و آنها را مثل آلتی بیحس و خیال نموده بمقاصد خود میردازند.

قیح ترین و شنیع ترین مسلک روس در تذلیل و تحقیر قومیت ملل مقهوره این شیوه دغل و دنی است که بنام حرمت انسانیت باید علناً گفت: قلب مهربان «پدر کوچک» (۱) میداند که سردی آهنی که بسر قفقازها کوفته بودند چقدر سخت و ظالمانه بود. پس برای شکسته بندی قلوب مجروح و در عوض استقلال و آزادی پایمال شده اهالی سالیانه مبالغی وجه از خزانه امپراطوری کنار گذاشته و صرف مهاجرت فواحش و روسپیان روسی در تمام نقاط و ولایات مقصوبه میکنند و بجای مدارس و دار الفنونها بنام «تمدن مقدس» دار الفواحش تأسیس مینمایند و دکاکین شرب در تحت حمایت مأمورین محترم در سر هر رهگذر برای خرف نمودن بومیان باز میشود. و نتایج شوم اینها بیش از آنست که انسان در نظر اول تصور میکند. چه زهری بیشتر از امراض ننگین برای فساد نسل و تقلیل جنس و پاکی نژاد مؤثر است؟ این همه شیوه تسلط و طرز استحکام حکومت روس است!

روس بنام «تمدن» بدینگونه دستبرد خود را می نماید ولی در مملکتی مثل قفقاز که هیچده کرور و نیم جمعیت دارد یک مدرسه عالی موجود نیست. مخصوصاً مسلمانها که در یک جهالت محض باقی هستند و تربیت آنها با سر نیزه و شلاق و کبل و دهباشی روس پیش میرود. در نظر این ستمزدگان عاری از تمیز خداوند جهان تسار روسیه است و علوم اصلی را روس ایجاد نموده. راه آهن و «آریفمتیکا» (۲) را هم مخترع اوست! ارامنه که یکی از عناصر زیرک و باهوش قفقاز هستند هر چند امروز آلت اغراض روس گردیده و در ارمنستان عثمانی خطبهای فاحش کرده اند وقتی در روسیه در خیال ایجاد مکاتب و نشر معارف در میان عنصر ارمنی و ترتیب اوضاع ملیت و اصلاح امور مذهبی و کلیسای ارامنه بودند. از طرفی هم گرجیها در خیال تحصیل استقلال حکومت داخلی و تحفیف رفتار خشن مستخدمین روس بودند. این مقدمه در حدود ۱۳۲۳ و کمی قبل از آن بود. دولت روس محض اینکه افکار آزادی طلب ارامنه و گرجیها بسایر اقوام قفقاز سرایت نکند بدستکاری حکومت و ریاست نظمیته قفقاز در همه جا ترتیب جدالهای خانگی داده و اشرار را واداشت که میان مسلمان و مسیحی تفرقه و نفاق اندازند و بهمان اشرار از قورخانه دولتی اسلحه

(۱) تسار روسیه را عوام و دهانها «پدر کوچک» و خداوند را پدر بزرگ میگویند (۲) علم حساب روسی

یعنی بازده ملیون وکسری سرباز که از طرف متفقین کشته یا مجروح یا اسیر شده اند! - از مقایسه تلفات ملل مختلفه اتفاق با یکدیگر فقرات ذیل قهراً استنباط میشود:

اولاً - آنکه مجموع تلفات سرب و بلژیک و رومانی تا سوم محرم تخمیناً نهصد هزار نفر است یعنی تقریباً دو ثلث تلفات انگلیس. ثانیاً - آنکه تلفات ایتالی که ده ماه بعد از انگلیس داخل جنگ شده است تا سوم محرم بهشتصد هزار نفر میرسد یعنی باز تخمیناً دو ثلث تلفات انگلیس. ثالثاً - آنکه تلفات فرانسه بیشتر از سه مقابل تلفات انگلیس است و تقریباً ربع مجموع تلفات متفقین است.

رابعاً - آنکه تلفات فوق العاده روسها هفت مقابل تلفات انگلیس است و بیش از یک ملیون از نصف مجموع تلفات متفقین بیشتر است. خامساً - آنکه سهم انگلیس از مجموع تلفات متفقین بیش از صدی هشت نیست و تلفات سایر متفقین نود و دو در صد است و اگر تلفات عناصر خارجی انگلیس را از قبیل کانادائها و استرالیا و هندیا و غیرهم از تلفات انگلیس تفریق کنیم سهم انگلیس از صدی هشت هم خیلی کمتر میشود.

## پاداش فتوت

از اخباری که اخیراً بما رسیده مستفاد میشود که در موقعی که قشون روس وارد اصفهان شده بود چندتن صاحبمنصب آلمانی که در آن شهر بوده اند محصور شده و کار بر آنها بسیار سخت میشود ولی علیاً مخدّمه بی بی مریم خانم همشیره حضرت آقای سردار اسعد رئیس ایل جلیل بختیاری که مانند یکان یکان طایفه دلیر واصل خود از یک پستان شیر مردی و مردانگی نوشیده ملتفت حال صاحبمنصبان مذکور گردیده و نجات آنها را که دوستدار ایران هستند بر ذمه خود فرض دانسته و بهر وسیله بوده آنها را در کنف حمایت و امان خود آورده و سپس اسباب حرکت آنها را فراهم آورده و بسوی وطنشان روانه میدارد.

صاحبمنصبان مذکور اکنون بادل شاد آلمان رسیده و در مقامات لازمه از بزرگواری و خانمی یکتا زن بختیاری و از حق شناسی خود سخن رانده و میرانند. دولت امپراطوای آلمان نماینده محترم خود را در ایران مأمور داشته که خانم مشاّر الیهارا از این علو همت تبریک و سپاس کویید و علاوه بر این شخص اعلیحضرت امپراطور هم تمثال میناکاری و الماس نشان خود را بعنوان قدر دانی بعلیه عالیّه مشاّر الیها فرستاده اند.

افزونتر شده است چه در سوم محرم عده اسرای رومانی ۵۰۰۰۰ نفر بوده است در صورتی که امروز ۱۸ صفر (۱۴ دسامبر) فقط عده اسیر رومانی متجاوز از ۱۶۰۰۰۰ است و تلفات دیگر رومانی را همین نسبت باید قیاس کرد.

## تلفات متفقین

جمیّت بحث از نتایج اجتماعی جنگ (۱)، که مرکز آن در کوبنهاگ است اخیراً احصائیه مفیدی از تلفات متفقین از اول جنگ تا غرّه شوال ۱۳۳۴ نشر نموده است. مأخذ این احصائیه از روی اسناد رسمی و غیر رسمی است که جمیّت مذکور بدست آورده است. در خصوص انگلیس و روس این اسناد متعدد و خیلی منقح و مدقق است بطوری که میتوان گفت که حساب تلفات دو دولت مذکور تقریباً مطابق با واقع است. اما در موضوع فرانسه و ایتالیا و سرب و بلژیک چون دول مذکوره اسناد رسمی در باب تلفات خود نشر نکرده اند حساب تلفات ایشان از روی قیاس و مبتنی بر معلومات متفرقه دیگر است ولی حتی المقدور کمال احتیاط در حساب خسارات ایشان بعمل آورده شده و همیشه قدر متیقن مأخذ گرفته شده است. احصائیه مذکور از قرار ذیل است:

تلفات متفقین از اول جنگ تا غرّه شوال ۱۳۳۴  
باستثنای انگلیس که تا ۲۹ شعبان ۱۳۳۴ است.

انگلیس	روس	فرانسه	ایتالی	بلژیک	جمع کل	اسیر	مجروح	مقتول
۱۶۲'۸۰۸	۱'۴۹۴'۰۰۰	۸۸۵'۰۰۰	—	۵۰'۰۰۰	۶۷۸'۷۷۵	۸۶'۳۸۴	۴۲۷'۵۸۳	۱۶۲'۸۰۸
.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....

این بود احصائیه «جمیّت بحث از نتایج اجتماعی جنگ». روزنامه آلمانی «صلیب» (۲) این احصائیه را میزان قرار داده و از روی قیاس و مأخذ دیگر که بدست آورده تلفات متفقین را تا سوم محرم ۱۳۳۵ از قرار تفصیل ذیل امتداد میدهد:

انگلیس	۱'۱۸۳'۷۵۰
روس	۸'۵۵۸'۰۰۰
فرانسه	۳'۶۹۶'۰۰۰
ایتالی	۸۰۰'۰۰۰
سرب	۴۸۰'۰۰۰
بلژیک	۲۲۰'۰۰۰
رومانی (۳)	۲۰۰'۰۰۰
جمع کل	۱۵'۱۳۷'۷۵۰

(۱) La société pour l'étude des conséquences sociales de la guerre

(۲) Kreuz-Zeitung

(۳) روزنامه «گازت دزآردن» که جدول فوق را نقل میکنند میگوید که از تاریخ این جدول که سوم محرم (غرّه نوامبر) است تا کنون تلفات رومانی بمراتب

این رفتار مردانه بی بی مریم خانم که از آن آثار آدمی و بزرگواری که شالوده اخلاق اصلی ایرانی است هوید است علاوه بر آنکه اسباب سر بلندی جمله ایرانیان است علاوه و محبت را نیز که هر زن و مرد ایرانی نسبت بدول اتحاد چهارگانه دارد ثابت میدارد.

کارکنان اداره کاوه با کمال مباهات علیه عالیه بی بی مریم خانم را تبریک میگویند و تا وقتی که در مملکت ایران اینگونه خصائل نجیبه باشد از نجات آن نباید امید برید.

خطابه همایونی امپراطور آلمان بقشون بری و بحری بمناسبت

### اول سال

بقشون بری و بحری خودم:

باز یک سال گذشت پر از جنگهای سخت و تلفات بسیار و مملو از نتایج زیاد و فتوحات بیشمار.

امیدی که دشمنان ما بسال ۱۹۱۶ داشتند بکلی بی نتیجه ماند و ضایع شد. تمام هجومهای سختی که آنها از شرق و غرب آوردند در جلو مقاومت و شجاعت دلیرانه شماها درهم شکست. اینک لشکر کشی فاتحانه تازه در رومانی از سر نو با تأیید خداوندی پرقهای شما را بگلگهای جاودانی اقتضار و شرف مزین داشت.

جنگ سکاگراک که بزرگترین جنگ دریائی است که از ابتدای این کارزار جهانگیر بوقوع پیوسته و اقدامات دلاورانه کشتیهای زیر دریائی سبب اقتضار و مباهات دائمی قشون دریائی من گشت.

شما در تمام میدانهای جنگ فاتح هستید چه در خشکی و چه در دریا. وطن متشکر با یک اعتماد قوی و اطمینان فوق العاده بسوی شما نگران است. آن خصلت جنگی که در نهاد شما سرشته است، آن میل بفیروزی که شما را همیشه خرم داشته و نمیگذارد که خسته شوید و بالأخره عشق شما بخاک وطن مرا مطمئن میدارد که در سال جدید هم فتح و ظفر نصیب پرقهای ما خواهد بود.

خداوند هم باز با ماست.

ارکان حرب عمومی ۳۱ دسامبر ۱۹۱۶

«ویلهم».

### تہمت

اداره اخبار «ملی» عثمانی بتاريخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۵ خبر میدهد: «شریف سابق مکه امیر حسین اظهار کرده است که عثمانیها بزینتہای طلا و جواهری که از آثار مقدسه متعلق بحرم بوده دست بردی نموده اند. در این باب لازم نیست گفته شود که این امکنه مقدسه در نزد مسلمانان محترم است و غیر از امیر حسین و همدستان او تمام مسلمین با جان و مال خودشان برای

نگهداری و دفاع از اماکن مقدسه حاضرند. لهذا ما این تہمت صرفرا با نفرت تمام از خود رد میکنیم.»

### توپهای پلونا

توپهای عثمانی که در سال ۱۲۹۵ بدست رومانیا افتاد و بعدها آنها را در جلوی مجسمه سکولیف در بخارست جای داده بودند تمامرا دوباره عثمانیها گرفته و باسلامبول برگرداندند و ازقرار معروف آن توپها را بیادگار دفاع پلونا و شجاعت و تہور عساکر عثمانی در جنگ والاخی (رومانی) در اسلامبول در میدان بایزید روبروی وزارت جنگ قرار خواهند داد.

### حسن اثر فتوحات قشون اسلامی عثمانی

ما در شمارهای پیش کاوه خبر تعطیل روزنامهای «اطلاعات» و «رعد» طهران را بنظر خوانندگان محترم خود رساندیم. اکنون بنا باخباری که اخیراً از ایران بدست آمده معلوم میشود که روزنامه «بامداد روشن» و «صدای ایران» که همواره طرفدار آزادی و استقلال ایران بوده اند دوباره در طهران بطبع میرسند و از همین مسئله میتوان تأثیرات حسنة پیشرفت قشون اسلامی عثمانی و فتوحات بی دریغ آنرا استنباط کرد و بستی نفوذ مغوی روس در ایران بی برد که چگونه در مقابل مختصر حرارتی مانند برف آب میشود.

وقتی که نفوذ روس در ایران غالب میشود وضع آن سامان منظره دشتی را بنظر میآورد که تاریکی شب بر آن مستولی شده باشد و از هر گوشه حشرات بیرون آمده و غوغای محشری برپا نموده باشند ولی بمحض طلوع آفتاب عالتاب یکدفعه تمام آن هیاهوها از میان میرود و چهچه روح افزای مرغان خوش الحان جای آنرا میگیرد و عالم عالم دیگر میگردد.

### تلفات کشتیهای جنگی متفقین از ابتدای جنگ تا کنون

با غرق شدن کشتی جنگی فرانسوی موسوم به گولوا عدده کشتیهای جنگی غرق شده متفقین ۱۹۶ کشتی میشود که بارگیری آنها روی هم رفته بالغ بر ۲،۲۲۸،۲۹۰ خروار است. از این عده ۱۲۵ کشتی تنها متعلق بانگلیس بوده (که کشتیهای موشگ انداز وزیر دریائی هم داخل آن است) و رویهم رفته ۱،۶۹۵،۶۰۰ خروار بارگیری داشته است. از این قرار بارگیری کشتیهای جنگی تلف شده متفقین زیادتر از بارگیری تمام جہازات جنگی فرانسه است در ابتدای جنگ و فقط تلفات انگلیس بیشتر از تمام جہازات جنگی ژاپن است زیرا که بارگیری تمام کشتیهای جنگی ژاپن عبارت از ۱،۶۷۲،۶۸۰ خروار بوده است.